اخبار

ماجراهای حضور رزمندگان ارمنی در جنگ «تاتیک مسیحی» به چاپ دوم رسید

کتاب «تاتیک مسیحی» نوشته حسن شیردل درباره شهدای مسیحی دفاع مقدس به‌تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ دوم رسیده است. ایثارگری های رزمندگان مسیحی در طول جنگ تحمیلی، جلوه با شکوهی از همگرایی ادیان در نظام جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته است. دفاع مقدس ۸ ساله ایران و ایرانی، مسلمان و کلیمی و مسیحی و زرتشتی نمی‌شناخت. همه آمدند، پیر، جوان، زن و مرد به میدان آمدند تا صدام و یاران غربی وی نتوانند یک هفته‌ای به تهران برسند و این یک هفته ۸ سال طول بکشد و سرانجام نیز شکستی مفتضحانه را قبول کند. ایرانی بارها نشان داده که بیعتش ایمانی است و تا پای جان پای قول و قرار خود می‌ایستد. با نگاهی به تعالیم حضرت مسیح (ع) در می‌یابیم که در این دین نیز همچون سایر ادیان الهی مقام والایی برای کسانی که در راه دفاع از آرمان‌های الهی جان خود را فدا می‌کنند ذکر شده و بر شهادت در راه دین و ایمان بسیار تاکید شده است؛ ماریتر(ماتیروس) یاناهاتاک را می‌توان معادل واژه شهادت در زبان ارمنی دانست که به معنای سرباز خط مقدم، قهرمان، دلیر و بی باک است. بی‌شک در کنار غیرت مسیحیان ایرانی برای دفاع از خاکشان، این تعالیم نیز در حضور فعال آنان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اثر به‌سزایی داشته است؛ تا جایی‌که پس از فراخوان شورای خلیفه‌گری ارامنه ایران در مراکزی چون تهران و تبریز و اصفهان خیل عظیمی از جوانان و اقشار مختلف مسیحی برای این وظیفه ملی اعلام آمادگی کردند. حسن شیردل نویسنده کتاب «سقف سفید» در کتاب بعدی خود «تاتیک مسیحی» به رزمندگان اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه مسیحیانی که در هشت‌سال دفاع مقدس در کنار دیگر هموطنان ایرانی حضور داشتند پرداخته و رشادت های شهدای مسیحی را به تصویر کشیده است. این‌کتاب ۹۶ صفحه دارد و به‌تازگی به چاپ دوم رسیده است.در قسمتی از این‌کتاب آمده است:«تاتیک! یک‌لحظه چیزی به ذهنم رسید و گفتم: بچه ها ببینید تاتیک تان منتظر است. بروید. جان تاتیک تان بروید. باورت نمی شود، تاتیک باورکن به همان لحظاتی که ما گرسنه بودیم و تو مقابل شمایل مریم عذرا می ایستادی و صلیب می کشیدی و قطره قطره اشک میریختی تا معجزه ای برسد و کسی از راه بیاید و نذری بیاورد و ما را سیر کنی، به همه آن لحظاتی که تو مروارید مروارید اشک می ریختی، دویدند طرف مادرشان، بی آنکه حتی ذره ای از سم های کوچک شان خاک بلند شود. رفتند پیش مادرشان، مادرشان آنها را با پوزه اش برگرداند و رفتند...

دبیران علمی و اجرایی جایزه جلال منصوب شدند

ابراهیم محمد حسن بیگی و مصطفی راضی جلالی در احکام جداگانه‌ای از سوی سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به ترتیب به عنوان دبیر علمی و دبیر اجرایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب شدند.

در حکم صالحی خطاب به ابراهیم محمد حسن بیگی آمده است: «نظر به پیشنهاد معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، با توجه به سوابق و تجارب ارزنده شما در عرصه ادبیات داستانی به موجب این حکم به عنوان «دبیر علمی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال‌آل احمد» منصوب می‌شوید.

مقتضی است بر اساس ضوابط مندرج در آیین‌نامه جایزه و در همکاری با اعضای محترم هیئت علمی و دبیر اجرایی جایزه، اقدام لازم در زمینه برگزاری شایسته این رویداد ادبی را معمول فرمایید. مزید توفیق شما را از خداوند متعال مسألت دارم.» همچنین در حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خطاب به مصطفی راضی جلالی آمده است: «نظر به سوابق و تجارب ارزشمند جنابعالی در عرصه‌های فرهنگی، به‌ویژه در حوزه ادبیات به موجب این حکم به عنوان «دبیر اجرایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد» منصوب می‌شویدامید است با استعانت از خداوند متعال و تعامل موثر با اساتید و نویسندگان ارجمند و اعضای محترم هیئت علمی، در برگزاری شایسته‌تر این رویداد ملی موفق و موید باشید.» ابراهیم حسن بیگی در سال ۱۳۳۶ در روستای خواجه نفس از شهرستان بندر ترکمن متولد شد. تاکنون آثاری از وی در حوزه داستان کوتاه، ادبیات کودک و نوجوان، دین و دفاع مقدس منتشر شده است. «اشکانه»، «ریشه در اعماق»، «نشانه‌های صبح»، «معمای مسیح»، «محمد»، «قدیس» و ... برخی از آثار وی است.

غلامحسین تکمیل همایون درگذشت

ناصر تکمیل همایون، تاریخ‌نگار و پژوهشگر از درگذشت برادرش غلامحسین تکمیل همایون خبر داد. غلامحسین تکمیل همایون تهران پژوهی سرشناس و مسئول گنجینه کتاب تهران بود که سه‌هفته پیش سکته مغزی کرده و در بیمارستان شریعتی تهران بستری بود و علایم حیاتی بسیار پایینی داشت. وی دیروز یکشنبه ۱۳ مهر درگذشت.تکمیل همایون چندین‌بار جایزه تهران پژوهی را به خود اختصاص داده بود. وی تلاش‌های بسیاری در حوزه پژوهش و تهران‌شناسی داشته است و نشست‌های تهران‌پژوهی دراداره فرهنگ و ارشاداسلامی با تلاش‌های وی راه‌اندازی شد.

کتاب «درآمدی بر «جغرافیا» در ایران (مدخل‌های برگزیده از طرح دانشنامه ایران)» زیر نظر این تهران پژوه برجسته منتشر شده است. همچنین مقدمه او بر کتاب «تهران، شهر موزه‌ها: پژوهشی پیرامون موزه‌های مناطق ۲۲گانه تهران» نیز مشهور است.

چاپ منبع اقتباس فیلم «مردی باقلب آهنین»

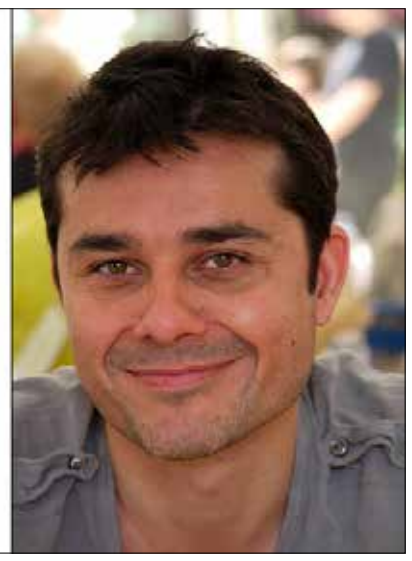

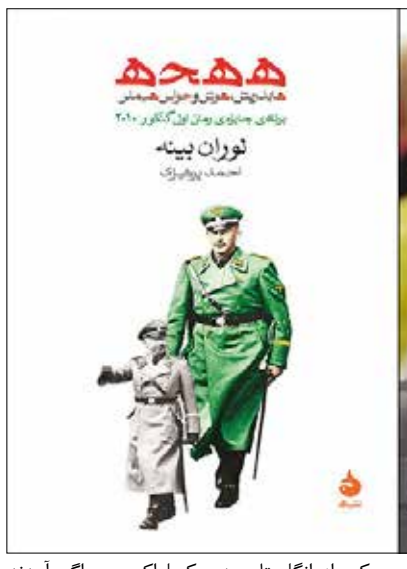

رمان «ه ه ح ه؛ هایدریش، هوش و حواس هیملر» نوشته لوران بینه درباره زندگی راینهارد هایدریش افسر نازیِ معروف به قصاب پراگ به‌تازگی با ترجمه احمد پرهیزی توسط نشر ماهی منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب سال ۲۰۱۰ برنده جایزه رمان اول گنکور فرانسه شد و سال ۱۳۹۶ ترجمه سیامند زندی از آن، توسط نشر قطره چاپ شد.

راینهارد هایدریش افسر بلندپایه نازی و مورد اعتماد هاینریش هیملر بود که در جریان جنگ جهانی دوم به مقام فرمانداری منطقه بوهم موراویا منصوب شد. او به‌دلیل این‌انتصاب در شهر پراگ مستقر و در یک نقشه حساب‌شده توسط چتربازان چکسلواکیایی که از انگلستان آمده بودند، ترور شد. هایدریش سال ۱۹۰۴ متولد شد و یکی از مقامات مهم آلمانی در طرح تسویه و کشتار یهودیان محسوب می‌شود. او را یکی از تاریک‌ترین چهره‌های آلمان نازی می‌دانند.

«ه ه ح ه؛ هایدریش، هوش و حواس هیملر» به‌عنوان اولین‌رمان نویسنده‌اش سال ۲۰۱۰ منتشر شد و همان‌سال برنده جایزه گنکور شد. این‌کتاب سال ۲۰۱۶ به فهرست رمان‌های برجسته نیویورک تایمز راه پیدا کرد و سال ۲۰۱۷ هم فیلمی سینمایی با اقتباس از آن به کارگردانی سدریک خیمه‌نز ساخته شد. در این‌فیلم سینمایی جیسون کلارک نقش هایدریش را بازی می‌کند. لوران بینه متولد سال ۱۹۷۲ در پاریس است و کتاب بعدی‌اش را سال ۲۰۱۵ با عنوان «هفتمین کارکرد زبان» چاپ کرد.

عنوان «ه ه ح ه؛ هایدریش، هوش و حواس هیملر» یا شکل اصلی آن «HHhH» که یک واژه مخفف آلمانی است، عبارت توصیفی‌ای است که آلمانی‌های درباره هایدریش به کار می‌بردند. این‌عبارت به پیشنهاد علیرضا اسماعیل‌پور، به «هایدریش، هوش و حواس هیملر» ترجمه شده است. یکی از محورهای اصلی رمان پیش‌رو، ماجرای عملیات ترور هایدریش با نام عملیات آنتروپی، یا آنتروپوید است که طی آن دو چترباز چکی از انگلستان به چکسلواکی و پراگ آمدند و هایدریش را که دیگر تحمل سیاست‌های استبدادی‌اش غیرقابل تحمل شده بود، ترور کردند.

رمان پیش رو از ۲۵۷ بخش کوتاه به هم‌متصل تشکیل شده و پس از آن، یادداشت ماریو بارگاس یوسا با عنوان «قصاب پراگ» درباره آن چاپ شده است. این‌مقاله توسط لیلی مینایی از اسپانیایی به فارسی ترجمه شده است. یوسا این‌کتاب را یک رمان عالی فرانسوی خوانده است.

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

سروان موراوک، آخرین بازمانده «سه پادشاه» و واپسین فرمانده سازمان سه‌سر مقاومت چک، می‌داند که نباید در آن قرار ملاقات حاضر شود. دوست قدیمی‌اش رُنه، معروف به سرهنگ پُل تومل، این قرار را ترتیب داده است، همان افسر سازمان اطلاعات نظامی ارتش آلمان، با نام رمزی آ۵۴، بزرگ‌ترین جاسوسی که تا آن روز برای چکسلواکی کار کرده است. آ۵۴ موفق می‌شود به موراوک هشدار دهد: پوشش او لو رفته و آن قرار یک دام است. با این‌همه، موراوک احتمالا گمان می‌کند بی‌باکی‌اش او را از مهلکه خواهد رهاند، چنان‌که پیش‌تر نیز بارها جانش را نجات داده بود. مردی که عادت داشت برای سران گشتاپو کارت پستال بفرستد و شاهکارهای خود را به اطلاع آنان برساند اینک نیز مصمم است ترسی به دل راه ندهد. باید می‌رفت و از ماجرا سر در می‌آورد. وقتی موراوک به محل قرار در پارک پراگ می‌رسد، هم رابط خود را شناسایی می‌کند و هم مامورانی را که چشم از او برنمی‌دارند. موراوک آماده گریز می‌شود، اما دو مرد بارانی‌پوش نامش را فریاد می‌زنند. من هرگز صحنه به رگبار بستن کسی را از نزدیک ندیده‌ام و به‌سختی می‌توانم تصور کنم که در شهر آرامی همچون پراگ امروزی رگبار گلوله چگونه می‌تواند باشد. باری، تعقیب و گریزی سخت روی می‌دهد و بیش از پنجاه گلوله رد و بدل می‌شود.

این‌کتاب با ۳۸۰ صفحه، شمارگان هزار و ۵۰۰ نسخه و قیمت ۶۵ هزار تومان منتشر شده است.

بهترین روش ترک موادمخدر از نظر ایرانشناس مشهور بریتانیایی

نشر اختران ششمین چاپ کتاب «یکسال در میان ایرانیان» اثر ادوارد براون، (شرقشناس و ایرانشناس مشهور بریتانیایی) با ترجمه مانی صالحی علامه را با شمارگان هزار نسخه، ۶۰۷ صفحه و بهای ۷۵ هزار تومان منتشر کرد. چاپ پیشین این ترجمه سال ۹۷ با شمارگان هزار نسخه و بهای ۴۵ هزار تومان منتشر شده بود. نشر اختران چاپ نخست خود از این ترجمه را به سال ۱۳۸۴ با شمارگان دو هزار نسخه و بهای ۵۵۰۰ تومان در دسترس مخاطبان قرار داده بود.

ادوارد گرانویل براون، شرقشناس برجسته بریتانیایی در کمبریج طبابت را فرا گرفت. او از دوران جوانی به فرهنگ و زبان‌های شرقی علاقه خاص داشت و در حین تحصیل به فراگیری زبان‌های هندی، ترکی و عربی پرداخت و پس از آشنایی با یک نفر ایرانی به نام میرزا باقر بواناتی یا ابراهیم جان معطر که جهانگرد بود، شروع به فراگیری زبان فارسی کرد. او بعدها عضو هیات علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی در کمبریج شد و ریاست مدرسه زبان‌های شرقی را نیز برعهده گرفت.

او پژوهش مهمی با عنوان تاریخ ادبیات ایران را منتشر کرد و نقشی مهم در رساندن صدای مشروطه خواهان ایران به جهانیان داشت و از این نظر یکی از مخالفان سرسخت حکومت بریتانیا نیز به شمار می‌رفت و در مقالاتی به سیاست‌های این حکومت در قبال ایران تاخت. کتاب «نامه‌هایی از تبریز» براون، نامه‌های مشروطه خواهانی چون تقی زاده و... به اوست. براون به سال ۱۸۸۷ یعنی ۹ سال پیش از انقلاب مشروطه سفری شگفت انگیز به ایران داشت که حاصلش را در کتاب «یکسال در میان ایرانیان» می‌توان دید.

این سفرنامه شامل ۱۸ فصل به ترتیب با این عناوین است: «مقدمه»، «از انگلستان به سرحد ایران»، «از سرحد ایران به تبریز»، «از تبریز به تهران»، «تهران»، «تصوف، ماوراءالطبیعه و سحر و جادو»، «از تهران به اصفهان»، «اصفهان»، «از اصفهان به شیراز»، «شیراز»، «شیراز (دنباله)»، «از شیراز به یزد»، «یزد»، «یزد (دنباله)»، «از یزد به کرمان»، «جامعه کرمان»، «در میان قلندران» و «از کرمان به انگلستان». زندگینامه سیاسی و اجتماعی خوبی از براون نیز در ابتدای این کتاب درج شده که به قلم سر دنیسن راس است.

براون سفر خود به ایران را با هدف مطالعه و پژوهش انجام داد و در این راه یک هدف مهم او آشنایی با جنبش بابیه در ایران بود. به همین دلیل نیز در سراسر این سفر او به دنبال گفت‌وگو با بابیان است. جای جای سفرنامه گفت‌وگوهای براون با داعیان بابی و بهایی درج شده است. براون همچنین در این سفر عموم کتاب‌های بابیان را تهیه کرده و با خود به کمبریج می‌برد و تعدادی از آنها را به انگلیسی ترجمه و مقالات مفصلی هم درباره این جنبش می‌نویسد و اکنون هم کاملترین کتابخانه بابی و بهایی معتلق به کمبریج است.

براون در این سفرنامه با قلمی سحرآمیز به توصیف روحیات و جنبه‌های فرهنگی و زندگی اجتماعی ایرانیان پرداخته است. براون در این سفرنامه تصویری دقیق از ایران در آستانه انقلاب مشروطیت به دست می‌دهد. هرچند که دیدگاه‌های او درباره دین اسلام با بغض همراه است، اما گزارش‌های او از وضعیت ایران آن روز دقت خاصی دارد. شاید چنین توصیفی از وضعیت ایران را هیچکدام از نویسندگان و گزارشگران ایرانی در دوران قاجاریه به دست نداده باشند. حتی با گزارش‌های براون می‌توان به بررسی تاریخی مشکلات برخی از مناطق ایران نیز نشست. مشکلاتی که امروزه هم شاید وجود داشته باشند. می‌توان با مطالعه این سفرنامه ریشه برخی از معضلات فرهنگی امروز (از جمله اعتیاد به مواد مخدر) را نیز دریافت.

روش ترک اعتیاد براون

براون فصلی از این سفرنامه پس از حضور در کرمان را به «در میان قلندران» نامگذاری کرده است. او در این فصل اشاره به معتاد شدنش به افیون و تریاک می‌کند. براون در کرمان به چشم درد مبتلا شد و با وجودی که طبابت خوانده بود، اما نتوانست خود را درمان کند. به همین دلیل به پیشنهاد اطرافیانش در کرمان و البته وسوسه درونی خودش برای خلاصی از دردچشم به کشیدن تریاک روی آورد. اما به روشی فوق العاده تریاک را ترک می‌کند.

او نوشته است: «این راه و روش افیون است. شما ممکن است آن را گهگاه و با فواصل طولانی مصرف کنید و هیچگونه خماری نداشته باشید. ممکن است دو یا سه روز مرتبا آن را مصرف کنید و بعد بدون هیچ اشکالی کنارش بگذارید. سپس پس از چند روز دوباره این کار را تکرار کنید و بازهم بدون اشکال ترک کنید و بعد پس از آنکه چند بار دیگر کشیدید، می‌خواهید مانند دفعات قبل ترک کنید که متوجه می‌شوید نمی‌توانید و اینکه زنجیر اسارت بر دست و پای‌تان پیچیده و به احتمال زیاد هرگز نخواهید توانست خود را خلاص کنید. من هم اسیر زنجیر شدم...» البته براون پس از تریاک حشیش را هم می‌آزماید و گویا در آن دوران مصرف حشیش پس از تریاک هم رواج داشته است.

او در جای دیگری از همین فصل کتاب درباره ترک اعتیاد خود نوشته است: «شنبه ۲۷ جولای این روز برای من به یاد ماندنی بود زیرا برای اولین مرتبه در طی چند هفته توانستم مقابل خماری فزاینده تریاک که من را فرا گرفته بود مقاومت کنم. اکنون این موضوع باعث ناراحتی من بود زیرا احساس می‌کردم که این تجربه را بیش از حد ادامه داده‌ام. با خود اندیشیدم: «همه‌اش خیلی خوب بود.

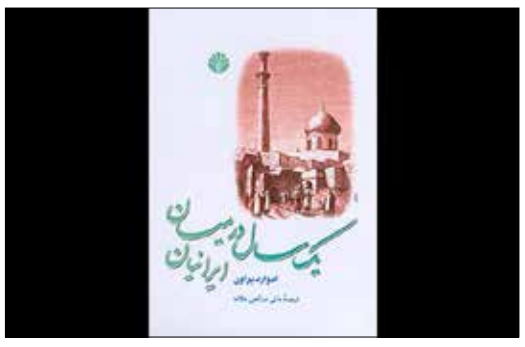

وارد دنیای تریاک کشان شدن، تجربه‌ای که برای تکمیل دیدگاهم از زندگی درویشی لازم بود، اما اگر بیشتر مراقب نباشم واقعا یک درویش می‌شوم و دست به دهان زندگی خواهم کرد و تمام وقتم را به تریاک کشیدن و عرفان بافی می‌گذرانم...

نقشه‌ای که برای ترک اعتیادم کشیدم بر اساس مشاهده و دریافت بود که کشیدن تریاک در واقع آنقدرها هم خطرناک نیست، بلکه خطر اصلی کشیدن آن به طور مرتب و در وقت معین است... من خود را عادت داده بودم که مرتبا پس از صرف شام، تریاک بکشم، بنابراین همیشه در این موقع خماری غیرقابل وصف من را فرا می‌گرفت که تنها چاره آن مصرف داروی مخدر بود. پس به نظرم رسید که اولین قدم برای ترک اعتیاد تغییر وقت معین شده و به تدریج طولانی‌تر کردن مدت زمان بین دوبار مصرف آن است.»

فارغ از تلقی غلط براون درباره عرفان (که قطعا هیچ نسبتی با موادمخدر ندارد) سوال اینجاست که آیا او توانست با این روش ترک راحتی داشته باشد؟ پاسخش را بخوانیم: «تا جایی که خاطرم مانده این کار را بدین صورت انجام دادم که یکروز به جای آنکه تا بعد از شام منتظر بمانم، مقدار کمی تریاک، موقع صرف چای بعدازظهر کشیدم و روز بعد صبر کردم تا بعد از خوردن شام و بدین ترتیب مدت زمان بین دوبار مصرف را از ۲۴ ساعت به ۳۶ ساعت رساندم. روز سوم تا دیروقت بیدار ماندم و درست قبل از خوابیدن مقدار کمی کشیدم و روز چهارم خیلی زودتر به رختخواب رفتم و موفق شدم که قبل از غلبه خماری به خواب روم و تا بعدازظهر روز پنجم تریاک نکشیدم و در نتیجه مدت زمان بین دو بار مصرف بازهم طولانی‌تر و از ۳۶ ساعت به ۴۰ ساعت رسید. بدین ترتیب توانستم خود را از اسارت اعتیادی آزاد سازم که اطمینان دارم از راه‌های دیگر ممکن بود به سختی انجام شود.»

آموخته‌های موراکامی از ترجمه:

سال‌ها از مسیر منحرف بودم

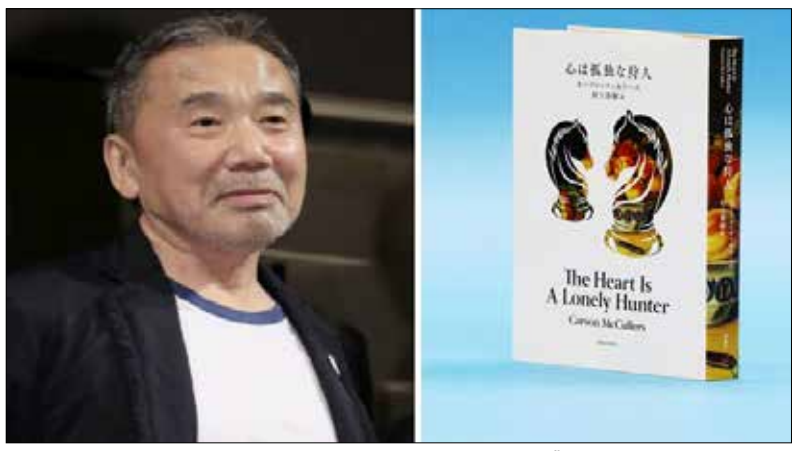

هاروکی موراکامی نویسنده مطرح ژاپنی به تازگی دست به ترجمه اثر کلاسیک آمریکایی «قلب یک شکارچی تنهاست» زده و از این کتاب به‌عنوان یک‌پیام مهم درباره نژادپرستی و فقر به‌عنوان زمینه اعتراضات اخیر اجتماعی یاد کرده است.

موراکامی ۷۱ ساله درباره این اثر که نوشته کارسون مک‌کولرز است و این رمان را به عنوان نخستین اثرش زمانی که تنها ۲۳ سال داشت منتشر کرد، صحبت کرده است.

مک‌کولرز سال ۱۹۱۷ در ایالت جنوبی جورجیا متولد شد و دوست داشت پیانیست شود، اما بعدها به نوشتن روی آورد و در حالی که به حرفه‌های دیگر مشغول بود به توانایی خود در این‌زمینه واقف شد.

داستان این‌کتاب در شهری در جنوب آمریکا در اواخر دهه ۱۹۳۰ می‌گذرد و شخصیت اصلی کتاب پزشکی سیاهپوست است که با تبعیض نژادی و جامعه‌ای بدون درک روبه روست. در این‌رمان دختر جوانی که دنیایی مخفی را در قلب خود دارد و صاحب کافه‌ای که علاقه‌مند به وی است بیان احساسات درونی خود را غیرممکن می‌یابند. مردی کر و لال نیز که بدون بیان کلامی به مشکلات دیگران گوش می‌دهد، در نهایت ناامیدی غرق می‌شود.

موراکامی از این داستان به عنوان داستانی غمگین یاد کرد که گرچه راهی برای خروج از وضعیت ارایه نمی‌کند اما در نهایت دلگرم‌کننده است. وی گفت: بسیار تحت تاثیر این رمان واقع شدم.

وی همچنین گفت این شهر را که به عنوان یک جهان کوچک برای خودش بود، دوست داشت.

این نویسنده ژاپنی یادآوری کرده نویسندگان جنوب آمریکا مانند ویلیام فاکنر را تحسین می‌کند زیرا آنها با چشمانی تیزبین جزییات را بیان می‌کنند و موضع انتقادی نسبت به آن دارند. وی گفت از این نویسندگان خیلی چیزها یاد گرفته که نوشتن درباره مردم، از جمله آنهاست. وی تاکید کرد که این نویسندگان از جمله اسکات فیتزجرالد نویسنده «گتسبی بزرگ» تاثیری عمیق بر وی داشته‌اند.

موراکامی کتاب مک‌کولرز را وقتی ۲۰ ساله بود خواند و این زمانی بود که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جنبش‌های دانشجویی همه دنیا را فرا گرفته بود. با این حال او که ماهیت سیاسی رمان را هم درک کرده بود بر خلاف هم‌سالانش از این جنبش‌ها فاصله گرفت.

وی که عاشق کتاب بود و برای فردگرایی اهمیت زیادی قایل بود، احساس می‌کرد یک رابطه قلبی با شخصیت‌های اصلی این کتاب که در ایجاد ارتباط با دیگران مشکل داشتند، برقرار کرده است.

نیم قرن بعد، موراکامی متوجه شد که خوانندگان ژاپنی چه نگاهی به آثار ترجمه شده دارند. در این زمینه وی می‌گوید: ما آن زمان معتقد بودیم اگر بیشترین تلاش خود را انجام دهیم دنیا جایی بهتر می‌شود. اما این اتفاق نیفتاد. شکاف بین ثروتمندان و فقرا تنها افزایش یافته و اگر حالا از جوانان بپرسیم که آیا فکر می‌کنید دنیا جای بهتری شده؟ فکر می‌کنم تقریباً هیچ کسی جوابش بله نخواهد بود.

این‌نویسنده گفته شیوع ویروس کرونا و رویدادهای دیگر موجب شده تا جهان فرصتی برای ارزیابی مجدد هنجارهایش پیدا کند. در این باره او گفت: در میان چیزهای مختلف، جنبش «زندگی سیاهان مهم است» و معترضان دموکراسی‌خواهی هنگ‌کنگ جنبش‌هایی به سمت ارزش‌هایی ایجاد کردند که هنوز در جامعه جای ندارند و امیدوارم هماهنگ با این فراخوان‌ها برای تغییر گام برداریم.

موراکامی درباره جنبش «زندگی سیاهان مهم است» گفت: نژادپرستی فعلی توسط یک سیستم قابل مشاهده اعمال نمی‌شود، اما درونی شده است و همین آن را تاحدودی نامشهود می‌سازد و به ناامیدی بیشتر می‌انجامد. در پایان، شاید هسته اصلی جامعه امروز نسبت به اواخر ۱۹۳۰ و زمانی که مک‌کولرز کتابش را نوشته کرده تغییر کمی کرده باشد. «قلب یک شکارچی تنهاست» یک داستان است. از امید حرفی نمی‌زند. بر عکس، این کتاب چنان به پایان می‌رسد که تنها ناامیدی است که غالب می‌شود، اما به همین دلیل چیزی روشن در دل خوانندگان به جا می‌گذارد. من می‌خواستم به قدرت این داستان باور داشته باشم و برای همین آن را ترجمه کردم.

وی که یکی از نامزدهای دریافت نوبل ادبیات است یادآوری کرد مدت‌ها فکر می‌کرد یک رمان‌نویس باید رمان بنویسد، اما هرچه سنش بیشتر شد باورهایش تغییر کرد.

خالق «کافکا در ساحل» در ادامه سخنانش گفته: حالا فکر می‌کنم بدون پیامی قوی و داستانی قوی، هیچ تاثیری وجود نخواهد داشت. آنچه ما می‌نویسیم بیشتر داستان است، اما این داستان‌ها نیاز به تکمیل شدن دارند. برای همین من با فرم‌های مختلف جلو رفته‌ام تا پیامم را منتقل کنم.

در دو سال اخیر موراکامی یک برنامه رادیویی داشته که آهنگ‌ها و ترانه‌های مختلف را انتخاب و پخش کرده است. به ویژه در ماه‌های اخیر که شیوع کرونا موجب شد مردم بیشتر در خانه بمانند وی با برنامه «موسیقی برای فردای روشن‌تر» سعی کرد تا شنوندگانش را تشویق کند.

وی درباره باورهایش درباره رمان‌نویسی هم صحبت کرد و گفت شاید نظراتم مغرورانه به نظر برسد اما فکر می‌کنم حالا بهتر می‌توانم درباره آنچه می‌خواهم بنویسم، بنویسم.

نویسنده «جنگل نروژی» خودش را به عنوان فردی توصیف کرد که ترجیح می‌دهد با تلاش مداوم و تدریجی به نتیجه برسد و گفت: ابتدا چون نمی‌توانستم آنچه را که می‌خواهم خوب بنویسم، به سراغ عناصر و سبک‌های مختلف در نوشتارم رفتم.

وی گفت: همین موجب شد تا مردم مرا نویسنده‌ای «پاپ» یا بخشی از فرهنگ پاپ توصیف کنند. حدود رمان «۱Q۸۴» بود که فهمیدم می‌توانم آنچه را می‌خواهم، بنویسم و این ۴۰ سال پس از آن بود که از مسیر خودم منحرف شده بودم اما شاید حالا بتوانم آرامش پیدا کنم.

موراکامی در پایان گفته ترجمه آثار دیگران نقش مهمی در رشد مهارت‌های نویسندگی وی داشته و اضافه کرده است: بسیاری از موارد مهم را از ترجمه کتاب‌های متعددی که به انگلیسی نوشته شده‌اند یاد گرفتم. هنوز هم دارم یاد می‌گیرم.

اخبار

خاطرات غائله کردستان و دستمال‌سرخ‌ها چاپ شد

کتاب «او یک دستمال سرخ بود» نوشته علیرضا محمدی شامل خاطرات عبدالله نوری‌پور از رزمندگان حاضر در غائله کردستان به‌تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شده است.

در این‌کتاب به معرفی گروه دستمال سرخ‌ها و اعضای آن پرداخته می‌شود. دستمال سرخ‌ها اولین گردان کماندویی سپاه پاسداران بودند که دستمال‌های سرخی به گردن خود بسته و با فرماندهی شهید اصغر وصالی به کردستان رفتند. این‌گروه در کردستان عملکرد موفقی داشت. به‌عنوان مثال، رکن اصلی مقاومت پاسدارها در پاوه، به‌عهده گروه دستمال سرخ‌ها بود؛ حماسه‌ای که به تبع آن امام خمینی (ره) جمله معروف «اگر سپاه نبود کشور هم نبود» را فرمود.

در بخشی از کتاب «او یک دستمال سرخ بود» آمده است:

«برای آخرین دیدار به بیمارستان رفتیم. منصور روی تخت آرام خوابیده بود. در چهره‌اش چیزی دیده نمی‌شد، جز آرامشی که حسرتمان را بیشتر می‌کرد. اوسطی دیرتر از ما وارد گروه دستمال‌سرخ‌ها شد و زودتر از ما برات شهادت را گرفت. اصغر وصالی، دستمال‌سرخ را از پیشانی منصور باز کرد و به گردنش بست. شاهرگ منصور تند و تند می‌زد! یا چشم‌های من این‌طور می‌دید که دستمال دورگردنش بی قراری می‌کند و سرخ و سرخ‌تر می‌شود.»

این‌کتاب با ۲۲۸ صفحه، شمارگان هزار و ۲۵۰ نسخه و قیمت ۴۰ هزار تومان منتشر شده است.

برگزاری دومین دوره شاهنامه‌شناسی کزازی در فضای مجازی

دومین دوره مجازی شاهنامه‌شناسی میرجلال‌الدین کزازی به‌زودی از واپسین روزهای مهر توسط آکادمی بین‌المللی علم برگزار می‌شود.

در دومین‌دوره از دوره‌های شاهنامه‌شناسی، داستان‌هایی از شاهنامه بر پایه نمادشناسی و باورشناسی ایرانی بررسی خواهند شد. داستان‌های کیومرث، زال و رودابه، رستم و سهراب، سیاوش و داستان رستم و اسفندیار از جمله آن‌اند.

میرجلال‌الدین کزازی مدرس این‌دوره آموزشی؛ استاد دانشگاه، شاعر، نویسنده، مترجم، شاهنامه‌پژوه و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است. وی از چهره‌های ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۴ و از اعضای هیئت امنای بنیاد فردوسی است. کزازی به بهره‌گیری از واژه‌های پارسی سره در نوشته‌ها و گفتار خود شناخته می‌شود. ترجمه او از انه‌اید ویرژیل به فارسی، برنده جایزه کتاب سال ۱۳۷۹ شد. همچنین تألیف او با نام نامه باستان برپایه شاهنامه که تاکنون ۲۰ جلَد آن به چاپ رسیده، رتبه نخستین پژوهش‌های بنیادین جشنواره بین‌المللی خوارزمی را به‌دست آورد.

دوره آموزشی مذکور از ۲۹ مهر روزهای سه‌شنبه از ساعت ۲۰ تا ۲۱:۳۰ به مدت ۵ هفته برپا می‌شود. علاقمندان به ثبت‌نام در این‌دوره می‌توانند به نشانی اینترنتی www.elm.ac صفحه دوره‌ها مراجعه کنند. همچنین علاقمندان خارج از کشور نیز می‌توانند برای ثبت‌نام از نشانی اینترنتی @ElmInternational استفاده کنند.

سومین کتاب شعر یک پزشک چاپ شد

سومین مجموعه‌شعر الهیار نزادی نیاسر با عنوان «تا اوج سحر بیدارم» به‌تازگی توسط نشر دندانه منتشر و راهی بازار نشر شده است. الهیار نزادی نیاسر متولد سال ۱۳۵۹، دندان‌پزشک و متخصص رادیولوژی دهان، فک و صورت است که علاوه بر تألیف کتاب و مقالات مرتبط با رشته رادیولوژی، در زمینه ادبیات منظوم و مکتوبات آیینی نیز موارد در کارنامه دارد.

این‌کتاب پس از دو مجموعه‌شعر «بیشه مژگان تو» و «آیینه شیدایی» سومین دفتر شعری است که از نزادی نیاسر چاپ می‌شود.

سراینده غزل‌های کتاب «تا اوج سحر بیدارم»، در این‌مجموعه بین عقل و عشق حیران مانده و تناقض‌های روزمره یک انسان امروزی را دارد. زیستن در لحظه اکنون تنها راه‌حلی است که اشعار این‌کتاب پیش روی مخاطب خود می‌گذارند.

دوره‌های «خوانش متون کلاسیک ادبی» به‌طور آنلاین برگزار می‌شود

دوره‌های «خوانش متون کلاسیک ادبی» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در پاییز ۱۳۹۹ به‌زودی به‌طور آنلاین برگزار می‌شود.

این‌دوره‌ها شامل «حافظ‌خوانی»، «شاهنامه‌خوانی» و «گلستان‌خوانی» مقدماتی است که از ۱۹ مهر در ۱۰ جلسه برای نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال برگزار می‌شود. هدف از آموزش این‌دوره‌ها درک، دریافت و تحلیل متن مبتنی بر اجرای صحیح آن است.

همچنین آشنایی اولیه با کانتکس (بستر تاریخی) متن، ورود به موضوع ترسیم کلی جهان‌بینی شاعر، آشنایی کلی با ساختار اثر، آشنایی با اصول اولیه اجرا متون نظم کلاسیک، ورود به مبحث خوانش و آشنایی اولیه با تکنیک‌های خوانش متن، از دیگر اهداف آموزشی دوره‌های «خوانش متون کلاسیک ادبی» به شمار می‌رود.

دوره‌های «حافظ‌خوانی» و «شاهنامه‌خوانی» مقدماتی با تدریس مهدی محمدیان به ترتیب ساعت ۱۰ تا ۱۱ روزهای دوشنبه و چهارشنبه به‌صورت برخط برگزار می‌شود. همچنین دوره «گلستان‌خوانی» مقدماتی با تدریس مریم عباسی ساعت ۱۳ تا ۱۴ روزهای شنبه آنلاین برپا خواهد شد.